شروع ارزش تواتر از صفر

شاگرد۲: مرحوم شعرانی در جای دیگر خلاف آن را می‌فرمایند؛ «ولو کنا فی زمن الائمه و امکنا تحصیل التواتر علی قرائة ابن مسعود مثلاً لجاز لنا اختیاره فی عرض سائر القرائات.

استاد: خیلی واضح است. آن چه که به ذهن قاصر من می‌آید این است که شروع تواتر صفر است. یعنی ارزش تواتر چون هزینه‌بر است در نظام تشابک شواهد و موضوع محور از صفر شروع می‌شود. در خبر واحد از صفر شروع نمی‌شود. ارزش نفسی خبر واحد صفر نیست. به این‌ها خوب دقت کنید خیلی اهمیت دارد. وقتی یک مخبری به شما خبر می‌دهد ابتدا به ساکن نمی‌توانید بگویید ارزش اخبار زید از فلان واقعه صفر است. صفر نیست. در شرائط متعارف هم باشد پنجاه پنجاه است. نقطه شروع ارزش‌گذاری خبر واحد پنجاه پنجاه است. اگر هم مورد وثوق باشد بالاتر می‌رود. اگر محل تهمت باشد زیر پنجاه می‌رود. آیه شریفه فرموده «ان جائکم فاسق بنباء فتبینوا»، نفرموده «فردوا نباءه». بلکه فرموده «فتبینوا». یعنی احتمال زیر پنجاه رفته لذا صبر کنید. چقدر این آیه سر و پا حکمت است! یعنی فاسق باز دارد یک چیزی می‌گوید. صفر که نیست شما آن را کنار بگذارید.

در چنین فضایی شما می‌گویید پنجاه پنجاه است. اما تواتر این است که می‌خواهید بگویید عده‌ای تبانی نکرده‌اند و عدد آن‌ها بالا است و به قطع رسیده‌اند. ارزش این پنجاه پنجاه نیست. ابتدا به ساکن بگویید متواتر هست یا نیست! خب پنجاه در صد هست، پنجاه در صد نیست! ابدا! چون در تحقق تواتر هزینه خارجی می‌رود، نقطه ارزش‌گذاری آن صفر است. چرا صفر است؟ بگویید مقداری بیشتر بگویید و یا حداقل بگویید دو درصد است. نه صفر است! چرا صفر است؟! چون از حیث تواتر قوامش به حصول قطع است. از آن طرف مبادی تواتر خبر واحد است. درست است که هر خبر واحد خودش پنجاه درصد است اما خود پنجاه در صد یعنی عدم علم. پس خبر واحد که پایه تواتر است، چون پنجاه درصد است، حتی یک درصد هم نتوانسته برای تواتر، تواتر بیاورد. لذا از صفر شروع می‌شود. این نکته مهمی است.

ما مدافع این نیستیم که مدام تواتر درست کنیم، ابدا! ما تواتر درست نمی‌کنیم. عرض ما این است که تواتر را از نقطه صفر شروع می‌کنیم ولی همه شواهد را نگاه می‌کنیم. شواهد تنها مدوانات نیست. این نیست که فلان شیخ گفته من از شیخم شنیدم. ما همه چیزها را نگاه می‌کنیم. حتی یک نقل تاریخی ساده در کتاب تاریخی را نگاه می‌کنیم. مثلاً ابن خلدون و فلان تاریخ نویس مطلبی را می‌گوید. مثلاً کتاب الاقالیم کتابی قدیمی است، در آن جا می‌روید و می‌بینید این بلد این قرائت را دارند، بلد دیگر فلان قرائت را دارند. ما به سند یک مقری چه کار داریم؟! ما حتی در ساده‌ترین چیزها شواهدی می‌آوریم تا بفهمیم فضای یک قرائت چگونه است. در چنین فضایی ما دو جور روش تواتر داریم. تا الآن اسم آن را نبرده ام. الآن عرض می‌کنم روی آن تأمل کنید.

اگر ذهن شریف شما از یک بحث استقبال کند، می‌بینید که سؤالات همینطور به وسط مباحثه می‌ریزد. اما اگر تنها این باشد که بگویید شما بگو و ما هم بشنویم... . اما باید کاری کنید که مثال له و علیه آن بیاید. فردا می‌خواهم تواتر قهقرائی و تواتر استقبالی را عرض کنم. شبیه استصحاب قهقرائی. من این اصطلاح را جایی ندیده ام، آن را یادداشت کنید. روش پیگیری تواتر دو جور است. روش تواتر قهقرائی و روش تواتر استقبالی. ما می‌خواهیم روش تواتر استقبالی را

برای تواترهای قهقرائی مبناء قرار دهیم. و حال اینکه الآن نوعاً برعکس است. یعنی ما با روش قهقرائی تواتر را جلو میبریم.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 20 مارس 2024 20:33:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2024 16:55:23 توسط ... .